

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عدالت در عیار نظام اسلامی

از عاشورا تا ظهور

تحلیل مضامین راهبردی پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای دام‌ظله

به مناسبت هفته قوه قضائیه و سالگرد شهادت آیت‌الله بهشتی و یارانش

پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت

گروه علمی حوزه و روحانیت

خرداد ۱۴۰۵

خلاصه مدیریتی

پیام رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای دام‌ظله به مناسبت هفته قوه قضائیه و سالگرد شهادت آیت‌الله بهشتی و یارانش را می‌توان یکی از متون راهبردی در تبیین نسبت میان هویت اسلامی نظام، آرمان عدالت، ساختارهای حکمرانی و الزامات تحقق جامعه مطلوب اسلامی دانست. این پیام اگرچه در ظاهر ناظر به جایگاه و مأموریت قوه قضائیه است، اما در لایه عمیق‌تر، تصویری جامع از منطق حرکت نظام اسلامی ارائه می‌کند؛ حرکتی که ریشه در قیام عاشورا، هدف آن اقامه حق و مقابله با ظلم، سازوکار آن تحقق عدالت در همه سطوح، و افق نهایی آن تحقق وعده‌های الهی در مسیر تاریخی حرکت به سمت گسترش عدل و اعتلای پرچم توحید بر قله گیتی است.

تحلیل مضامین پیام نشان می‌دهد که نقطه آغازین آن، بازخوانی هویت نظام اسلامی در امتداد نهضت حسینی است. در این چارچوب، عاشورا صرفاً یک واقعه تاریخی یا مناسبت مذهبی نیست، بلکه الگوی بنیادین حرکت توحیدی در تاریخ معرفی می‌شود؛ الگویی که بر سه محور اقامه حق، اصلاح جامعه و مقابله با ظلم استوار است. بر همین اساس، انقلاب اسلامی نیز به عنوان امتداد این مسیر تاریخی معنا پیدا می‌کند و میزان تحقق اهداف آن با میزان پایبندی به همان آرمان‌های عاشورایی یعنی عدالت، مبارزه با فساد، صیانت از حقوق مردم و مقابله با طاغوت سنجیده می‌شود. از این منظر، ساختارهای نظام اسلامی زمانی در مسیر صحیح خود قرار دارند که بتوانند این ارزش‌های بنیادین را در عرصه حکمرانی و زندگی اجتماعی محقق سازند.

یکی از محورهای اصلی پیام، بازتعریف جایگاه قوه قضائیه به عنوان یکی از ارکان تحقق این آرمان تاریخی است. در این نگاه، قوه قضائیه صرفاً یک دستگاه حقوقی یا مجموعه‌ای برای حل اختلافات نیست، بلکه نهادی است که باید مأموریت نظام در اقامه عدالت و پاسداری از حق را در سطح اجتماعی تحقق بخشد. شأن این قوه در پاسداری از حقوق مردم، احیای حقوق عامه، مبارزه با فساد، اجرای عدالت، حمایت از آزادی‌های مشروع و نظارت بر اجرای قانون تعریف می‌شود. بنابراین موفقیت آن صرفاً با شاخص‌های اداری و سازمانی سنجیده نمی‌شود، بلکه زمانی تحقق می‌یابد که عدالت بصورت کاملاً محسوس و در زندگی واقعی مردم آشکار شود؛ به گونه‌ای که مظلوم آن را پناهگاه خود بداند، صاحبان قدرت امکان تعدی به حقوق دیگران را نداشته باشند و اعتماد عمومی بر پایه مشاهده آثار عدالت تقویت گردد.

پیام در ادامه، تصویری فراگیر از عدالت ارائه می‌دهد که فراتر از عدالت قضائی و رسیدگی به دعاوی فردی است. در این منظومه، عدالت به عنوان یکی از معیارهای اصلی حکمرانی اسلامی، همه عرصه‌های حیات اجتماعی را دربرمی‌گیرد؛ از صیانت از حقوق عمومی و امنیت اقتصادی گرفته تا دسترسی عادلانه به فرصت‌ها، برخورداری

از مواهب طبیعی، محیط زیست سالم، آزادی‌های مشروع و حکمرانی کارآمد. بر این اساس، تحقق عدالت تنها به معنای صدور احکام عادلانه در دعاوی شخصی نیست، بلکه ایجاد نظم اجتماعی است که در آن بصورت پیشگیرانه، تبعیض، فساد، ویژه‌خواری و سوءاستفاده از قدرت امکان تحقق نیابد. همچنین این نگاه عدالت را به سطح حقوق ملی و بین‌المللی امتداد می‌دهد؛ به گونه‌ای که دفاع از حقوق ملت در برابر تجاوز و جنایت مستکبران، بخشی از رسالت عدالت‌خواهانه نظام اسلامی معرفی می‌شود.

از دیگر لایه‌های مهم پیام، تأکید بر ضرورت تحول و بازآرایی مستمر ساختارهای نظام اسلامی است. پیام با تأکید بر اینکه عملکرد قوا و دستگاه‌ها باید همواره با تراز مطلوب نظام اسلامی و شأن ملت تنظیم شود، تحول را امری مقطعی و اداری نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از مسیر دائمی نزدیک شدن نظام به اهداف متعالی خود معرفی می‌کند. در این میان، قوه قضائیه به دلیل جایگاه ویژه خود در اقامه عدالت، نقشی پیشران در اصلاح روندها و ارتقای سلامت حکمرانی دارد. همچنین تأکید بر توجه جدی به رهنمودهای رهبر شهید انقلاب در دیدارهای مسئولان قضائی، نشان می‌دهد که تجربه، اندیشه و توصیه‌های ایشان باید به عنوان چراغ راه تحول قضائی و مبنای طراحی مسیرهای اصلاحی مورد توجه قرار گیرد.

در بخش پایانی پیام، تحقق عدالت صرفاً به ساختارها و برنامه‌ها وابسته دانسته نمی‌شود، بلکه به عنصر انسانی و ویژگی‌های کارگزاران این مسیر نیز توجه ویژه می‌شود. اخلاص، توکل، تقوا، اراده جدی، شجاعت، قاطعیت، ابتکار عمل و بهره‌گیری صحیح از فناوری‌های نوین، مجموعه‌ای از الزامات انسانی و مدیریتی معرفی می‌شوند که بدون آنها تحقق عدالت و تحول واقعی امکان‌پذیر نیست. در این چارچوب، عدالت اسلامی بخشی از حرکت تاریخی تحقق وعده‌های الهی است؛ حرکتی که از مسیر بعثت انبیاء آغاز شده، در نهضت حسینی تجلی یافته، انقلاب اسلامی در عصر حاضر پرچم آن را برافراشته و تحقق کامل آن در افق حکومت جهانی حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه معنا پیدا می‌کند.

در نهایت می‌توان ادعا کرد پیام معظم‌له به مناسبت هفته قوه قضائیه یک نقشه راه جامع در موضوع عدالت اسلامی است؛ نقشه‌ای که در آن چیستی عدالت، ریشه‌های تاریخی و الهی آن، عرصه‌های تحقق آن و الزامات عینی رسیدن به آن به صورت یک منظومه منسجم ترسیم شده است. از این منظر، نظام اسلامی برای تحقق آرمان عدالت نیازمند هم‌افزایی میان مبانی معرفتی، ساختارهای حکمرانی و انسان‌های مؤمن و کارآمد است. در این میان، حوزه‌های علمیه و نهادهای دینی نیز با توجه به نقش خود در تولید معرفت، تربیت نیرو و تبیین آرمان‌های اسلامی، مأموریتی مهم در فهم عمیق این منظومه و تبدیل آن به گفتمان علمی، فرهنگی و اجتماعی بر عهده دارند؛ مأموریتی که می‌تواند زمینه‌ساز حرکت دقیق‌تر جامعه اسلامی در مسیر تحقق عدالت تراز اسلامی باشد.

متن پیام

متن کامل پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت هفته قوه قضائیه و سالگرد شهادت آیت الله بهشتی و یارانش

آیام مصیبت آل الله و شهادت حضرت ثارالله صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین و یاران باوفایشان را به همه‌ی ملت ایران و امت اسلامی تسلیت می‌گوییم.

نهضت و قیام حسینی برای اقامه‌ی حق و اصلاح امت و مقابله با ظلم و ستم، قله‌ی بلند تاریخ در تقابل حق و باطل، و عدل و ظلم است و درسهایی بس ارزشمند و فراموش نشدنی برای همه‌ی آزادگان جهان دارد. خون سیدالشهداء علیه السلام را خون خدا می‌نامند که در رگهای عالم جاری شده و حماسه‌های حیات بخش می‌سازد. نهضت و انقلاب اسلامی ایران، از آن رو که شعبه‌ای برگرفته از همین سرچشمه‌ی نورانی است، باید همواره در پی دستیابی به اهداف قیام حسینی باشد. هفتم تیر هر سال یادآور شخصیت برجسته‌ی انقلاب و آن کسی است که با قرار گرفتن در رأس قوه‌ی قضائیه در این جهت تلاش بی‌وقفه‌ای را در پیش گرفت تا آنگاه که با جمعی از یاران مخلص انقلاب شهد شهادت را نوشیدند و مظلومیت او و عدد هفتاد و دو شهید همراهش تأییدی بر حسینی بودن این نظام و معمارانش گردید.

شان قوه‌ی قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از حقوق مردم و احیاء حقوق عامه و آزادیهای مشروع، مبارزه با مفاسد، اجرای عدالت، و اقامه‌ی حدود الهی و نظارت بر اعمال قانون است. ثمره‌ی موفقیت در این مسیر، علاوه بر کسب رضایت الهی، تقویت اعتماد مردم به این رکن نظام خواهد بود. انتظار بحق از همه‌ی قوا، دستگاه‌ها و نهادهای مسئول آن است که همواره عملکرد خود را با تراز مطلوب نظام مقدس جمهوری اسلامی و شأن والای ملت، تنظیم و بازآرایی کنند. در این زمینه قوه‌ی قضائیه جایگاهی کم‌نظیر و بلکه بی‌بدیل برای اصلاح روند امور و به حرکت درآوردن سایر بخشهای نظام دارد که این مستلزم پیگیری روند اصلاح و بازسازی در داخل خود این قوه نیز می‌باشد.

اکنون انتظار عمومی جامعه آن است که شاهد تأکید عملی بر این امر در عملکرد قوه‌ی قضائیه باشند. به گونه‌ای که تحوّل قضائی، از کلمات درج شده در سند تحوّل و طرح‌ها و نقشه‌های راه، به فعلیت رسیده و جلوه‌های آن در همه‌ی عرصه‌های مربوطه، از اتاقهای مجتمعات قضائی و جلسات دادگاه‌ها تا محیط‌های عمومی و فضای اجتماعی نمایان گردد؛ آنچنان که مردم آثار مثبت آن را در زندگی روزمره‌ی خود در قاطعیت مقابله با انواع مفاسد،

کاهش تضییع حقوق، سرعت رسیدگی، ارتقاء سلامت و اتقان آراء قضات، و دسترسی آسان‌تر به شاخص‌های عدالت مشاهده نمایند. در این تصویر از قوه‌ی قضائیه باید اجرای عدالت به پایه‌ای برسد که هر مظلومی آن را مأمّن خود بداند و بخصوص کسانی که به‌نوعی از قدرتی برخوردارند، جرأت تعدّی به حقوق دیگران را نداشته باشند و باب سفارش و توصیه در آن به طور کلی مسدود شده و داشتن آشنا در بخشهایی از آن هیچ مزیتی بشمار نیاید.

البته احقاق حقوق ملت، تنها در مسائل فردی خلاصه نمی‌شود و انواع حقوق عامّه و اجتماعی آنان، از حق امنیت اقتصادی و دسترسی عادلانه به فرصت‌ها تا حق برخورداری عادلانه از مواهب طبیعی، محیط زیست سالم، آزادیهای مشروع، و حکمرانی کارآمد نیز از زمره‌ی مسائل مهم در جهت گسترش عدالت قلمداد می‌گردد.

از جمله یکی از مهمترین مسائل حقوقی و قضائی مربوط به همهی ملت ایران در این برهه‌ی زمانی، پیگیری و احقاق حقوق تضییع شده‌ی آنان در اثر جنایات مجرمان بین‌المللی و مستکبران و تجاوزکاران جهانی بخصوص در سالهای ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ می‌باشد.

از خون شهدای مظلوم جنگ تحمیلی دوم و سوم تا صدمات و لطمات جسمی و روحی و مادّی و معنوی وارد شده به کشور عزیزمان و هر یک از آحاد ملت مظلوم ایران در داخل و حتّی خارج از کشور؛ از کودک‌کشی‌ها و جنایات جنگی بی‌سابقه در میناب و لامرد تا حمله به مراکز درمانی و خدماتی؛ از کشتار نوزادان چند روزه تا کهنسالان عزیز؛ و در رأس همهی آنها شهادت شخصیت بی‌بدیل، گوهر بی‌همتا و یگانه دوران، پیشوای مجاهد عظیم‌الشأن اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف، هر کدام پرونده‌ای از صدها و بلکه هزاران پرونده حقوقی مهم را تشکیل میدهد که در محاکم قضائی داخلی و بین‌المللی باید با جدّیت دنبال شود. آنچه مسلم است گریبان جنایتکاران را بایستی گرفت و آنان را به سزای اعمال مجرمانه‌شان رساند.

نکته‌ی مهم در این مقوله، اولاً اعترافات و حتی افتخار و قیحانه‌ی بعضی از سران دشمن امریکایی، صهیونی به این جنایتهاست که قطعاً اقرار به جنایت محسوب گشته و مقدمات احقاق حقوق تضییع شده‌ی ملت را به شکل مناسبی فراهم ساخته است.

ثانیاً لازمه‌ی توجّه و اهتمام به اجرای دستور رهبر شهید انقلاب در آخرین دیدار مسئولان قضائی با ایشان در تیرماه سال گذشته نسبت به رسیدگی به جنایات صورت گرفته در جنگ تحمیلی دوم، تسری دادن آن به جنگ تحمیلی سوم و پیگیری مستمر آن تا وصول به حکم و واگذاری اجرای آن به عناصر صالحه است. این اقدام به‌نوبه‌ی خود از تکرار این قبیل جنایات پیشگیری خواهد نمود.

البته برای توفیق در مسیر تحوّل همه‌جانبه‌ی قضائی و شتاب بیشتر در رسیدن به اهداف گفته شده، تمهیدات و الزامات گوناگونی مورد نیاز است که عمدتاً در دیدارهای سالانه‌ی مسئولان قضائی و توصیه‌ها و تأکیدات مفصّل رهبر عظیم‌الشان شهید قدّس‌الله نفسه‌الزکیّه بارها بیان شده و توجّه جدّی به آنها و تلاش برای تحقّقشان که کلید موفقیت مسئولان محترم قوه‌ی قضائیه محسوب میشود مورد تأکید و خواست جدّی اینجانب است.

راه رسیدن به عدالت و مبارزه با ظلم و فساد، مسیر دشواری است که با اخلاص و توکل، رعایت تقوا در مرتبه‌ی عالی، انگیزه و اراده‌ی جدّی، تلاش و همّت مضاعف، شجاعت و قاطعیت، ابتکار عمل و بهره‌گیری صحیح از فناوریهای نوین و هوشمندسازی امور، هموار خواهد شد. تحقّق این همه، باذن‌الله و در سایه‌ی عنایات حضرت عدلِ منتظر، سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف میسر خواهد گشت ان‌شاء‌الله.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۷/تیر/۱۴۰۵

تحلیل مضامین راهبردی پیام

مضامین سازمان دهنده

در این بخش، به مضامین سازمان‌دهنده متن و مضامین پایه ذیل هر عنوان پرداخته خواهد شد تا منطق درونی شکل‌گیری این مضامین، به صورت مستند و قابل پیگیری از متن اصلی، روشن گردد. بعلاوه در این بخش از گزارش تلاش شده تا علاوه بر استخراج مضامین محوری، به صورت کوتاه نسبت آن با دستگاه معنایی کلی پیام نیز تبیین شود تا تحلیل از سطح توصیفی صرف فراتر رفته و به فهمی منظومه‌ای و راهبردی نزدیک شود.

❖ مضمون سازمان‌دهنده اول

«بازخوانی هویت و فلسفه وجودی نظام اسلامی در امتداد قیام حسینی برای اقامه حق و مقابله با ظلم»

رهبر معظم انقلاب در آغاز پیام، پیش از ورود به بحث قوه قضائیه، به مناسب ایام و عاشورای حسینی^{علیه‌السلام} به خوبی یک چارچوب معنایی کلان برای فهم جایگاه نظام اسلامی ترسیم می‌کنند. در این چارچوب، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نه یک پدیده صرفاً سیاسی یا تاریخی، بلکه امتداد یک جریان الهی و تاریخ‌ساز معرفی می‌شود که ریشه در نهضت عاشورا و قیام سیدالشهدا^{علیه‌السلام} دارد. در این روایت، نهضت حسینی به عنوان «قله بلند تاریخ در تقابل حق و باطل، و عدل و ظلم» معرفی می‌شود؛ بنابراین غایت اصلی آن صرفاً یک حادثه تاریخی نیست، بلکه ایستادگی در برابر ظلم و ستم، اقامه حق و اصلاح امت است. بر همین اساس، نظام اسلامی نیز چون «شعبه‌ای برگرفته از همین سرچشمه نورانی» است، باید همواره در مسیر تحقق اهداف قیام حسینی حرکت کند. بر مبنای این نگاه، عدالت، مبارزه با فساد، احیای حقوق مردم و مقابله با ظلم، اموری فرعی و مدیریتی نیستند، بلکه بخشی از فلسفه وجودی نظام اسلامی و معیار سنجش کارآمدی آن محسوب می‌شوند. از همین منظر، قوه قضائیه نیز جایگاهی صرفاً ساختاری یا اداری پیدا نمی‌کند، بلکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق همان رسالت الهی یعنی اقامه حق و مقابله با ظلم در جامعه اسلامی است.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«نهضت حسینی؛ الگوی تاریخی اقامه حق و اصلاح امت»

مستندات متنی:

- «نهضت و قیام حسینی برای اقامه حق و اصلاح امت و مقابله با ظلم و ستم، قله‌ی بلند تاریخ در تقابل حق و باطل، و عدل و ظلم است»

- «درسهایی بس ارزشمند و فراموش نشدنی برای همه‌ی آزادگان جهان دارد»

تبیین:

در این فراز، عاشورا به عنوان یک حادثه محدود تاریخی بازخوانی نمی‌شود؛ بلکه به مثابه الگویی فرازمانی برای حرکت‌های اصلاحی اجتماعی و تقابل با جبهه باطل معرفی می‌گردد. سه مؤلفه اصلی این الگو عبارت‌اند از اقامه حق، اصلاح جامعه و مقابله با ظلم. این سه مؤلفه، بنیان معنایی سایر بخش‌های پیام را شکل می‌دهند؛ زیرا هر سخن از عدالت، مبارزه با فساد و احقاق حقوق، در نهایت به همین منطق عاشورایی بازمی‌گردد.

مضمون پایه دوم

«انقلاب اسلامی؛ استمرار تاریخی نهضت عاشورا»

مستندات متنی:

- «نهضت و انقلاب اسلامی ایران، از آن‌رو که شعبه‌ای برگرفته از همین سرچشمه‌ی نورانی است، باید همواره در پی دستیابی به اهداف قیام حسینی باشد»
- «مظلومیت او و عدد هفتاد و دو شهید همراهش تأییدی بر حسینی بودن این نظام و معمارانش گردید»

تبیین:

در این بخش، انقلاب اسلامی در امتداد یک زنجیره تاریخی معنا می‌شود؛ زنجیره‌ای که آغاز آن قیام عاشورا و مقصد آن تحقق عدالت و مقابله با ظلم است. بنابراین هویت نظام اسلامی در این پیام، نه بر اساس صرف تشکیل یک حکومت، بلکه بر اساس میزان پایبندی آن به آرمان‌های توحیدی و قیام حسینی تعریف می‌شود. این نگاه، معیار ارزیابی عملکرد ساختارهای نظام را نیز روشن می‌کند؛ هر نهاد زمانی در مسیر صحیح قرار دارد که در تحقق آن آرمان تاریخی نقش ایفا کند.

مضمون پایه سوم

«شهادت و روحیه شهادت‌طلبی؛ نشانه پیوند حرکت اسلامی با مسیر حق‌طلبی عاشورایی»

مستندات متنی:

- «خون سیدالشهداء علیه‌السلام را خون خدا می‌نامند که در رگهای عالم جاری شده و حماسه‌های حیات‌بخش می‌سازد»

- «هفتم تیر هر سال یادآور شخصیت برجسته‌ی انقلاب و آن کسی است که با قرار گرفتن در رأس قوه‌ی قضائیه در این جهت تلاش بی‌وقفه‌ای را در پیش گرفت تا آنگاه که با جمعی از یاران مخلص انقلاب شهید شهادت را نوشیدند»
- «مظلومیت او و عدد هفتاد و دو شهید همراهش تأییدی بر حسینی بودن این نظام و معمارانش گردید»

تبیین:

در منطق این پیام، شهادت و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی نشانه‌ای از استمرار مسیر تاریخی حق‌طلبی است. همان‌گونه که خون سیدالشهدا منشأ حرکت‌های حماسی در تاریخ معرفی می‌شود، شهادت آیت‌الله بهشتی و یارانش نیز در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند. بنابراین پیام درصدد برقرار کردن ارتباط میان عاشورا، انقلاب اسلامی و مسئولیت تاریخی کارگزاران چنین نظامی است.

مضمون پایه چهارم

«اقامه عدالت در سطح جامعه؛ تجلی عملی اهداف قیام حسینی در ساختار حکمرانی»

مستندات متنی:

- «شأن قوه‌ی قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از حقوق مردم و احیاء حقوق عامه و آزادیهای مشروع، مبارزه با مفاسد، اجرای عدالت، و اقامه‌ی حدود الهی و نظارت بر اعمال قانون است»
- «ثمره‌ی موفقیت در این مسیر، علاوه بر کسب رضایت الهی، تقویت اعتماد مردم به این رکن نظام خواهد بود»

تبیین:

این مضمون حلقه اتصال میان مبنای عاشورایی و ساختار حکمرانی است. پیام پس از ترسیم ریشه‌های تاریخی نظام اسلامی، نشان می‌دهد که تحقق اهداف عاشورا در عصر حاضر از مسیر ایجاد ساختارهای عادلانه و کارآمد می‌گذرد. بنابراین قوه قضائیه به عنوان یکی از ارکان تحقق عدالت، مسئولیت دارد آرمان اقامه حق را از سطح ارزش و شعار به عرصه اداره جامعه منتقل کند.

جمع‌بندی مضمون سازمان‌دهنده اول

این مضمون نشان می‌دهد که پیام رهبر انقلاب ابتدا یک بازتعریف هویتی از نظام اسلامی ارائه می‌دهد؛ نظامی که خود را ادامه‌دهنده مسیر عاشورا و مأمور اقامه حق می‌داند. در این منظومه، عدالت قضائی، مبارزه با فساد، احیای حقوق مردم و مقابله با ظلم، صرفاً اموری شعاری یا وظایفی سازمانی نیستند؛ بلکه مظاهر تحقق همان آرمان تاریخی‌اند که از عاشورا آغاز شده و در ساختار جمهوری اسلامی امتداد یافته است.

❖ مضمون سازمان‌دهنده دوم

«بازتعریف شأن قوه قضائیه به مثابه رکن تحقق عدالت، صیانت از حقوق عمومی و تقویت اعتماد در نظام اسلامی»

پس از ترسیم مبنای هویتی نظام اسلامی بر محور اقامه حق و مقابله با ظلم، پیام به تبیین جایگاه قوه قضائیه در تحقق این آرمان می‌پردازد. در این نگاه، قوه قضائیه صرفاً یک نهاد حل اختلاف یا مجری قوانین نیست، بلکه یکی از ارکان اساسی تحقق عدالت در جامعه اسلامی و از مهم‌ترین ابزارهای نظام برای پاسداری از حقوق مردم در سطح فردی، عمومی و حتی ملی محسوب می‌شود. از اینجاست که رهبر معظم انقلاب در این پیام، شأن این قوه را در مجموعه‌ای از مأموریت‌های بنیادین تعریف می‌کنند؛ از جمله پاسداری از حقوق مردم، احیای حقوق عامه، حمایت از آزادی‌های مشروع، مبارزه با فساد، اجرای عدالت، اقامه حدود الهی و نظارت بر اجرای قانون. بنابراین قوه قضائیه در منظومه پیام، حلقه واسط میان آرمان‌های کلان نظام اسلامی و تجربه ملموس مردم از عدالت است. بر اساس این نگاه، موفقیت قوه قضائیه تنها با افزایش کارآمدی اداری یا حل پرونده‌ها سنجیده نمی‌شود؛ بلکه ثمره اصلی آن، تحقق رضایت الهی و افزایش اعتماد عمومی به نظام اسلامی است. قوه‌ای که مظلوم در آن احساس پناه و امنیت کند و صاحبان قدرت جرأت تعدی به حقوق دیگران را نداشته باشند، در حقیقت توانسته بخشی از رسالت نظام اسلامی در اقامه حق را محقق سازد.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«قوه قضائیه؛ پاسدار حقوق مردم و اقامه‌کننده عدالت»

مستند متنی:

- «شأن قوهی قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از حقوق مردم و احیاء حقوق عامه و آزادیهای مشروع، مبارزه با مفاسد، اجرای عدالت، و اقامه‌ی حدود الهی و نظارت بر اعمال قانون است»

تبیین:

این فراز، تصویری جامع از جایگاه قوه قضائیه ارائه می‌دهد. در این نگاه، قوه قضائیه مجموعه‌ای از وظایف پراکنده حقوقی ندارد، بلکه مأموریت اصلی آن پاسداری از ارزش محوری نظام اسلامی یعنی عدالت در سطوح مختلف آن است. مفاهیمی همچون حقوق مردم، مبارزه با فساد، اجرای قانون و اقامه حدود، همگی اجزای یک منظومه واحد برای تحقق عدالت در جامعه هستند.

مضمون پایه دوم

«عدالت قضائی به مثابه پناهگاه مظلومان و مانع سوءاستفاده صاحبان قدرت»

مستندات متنی:

- «در این تصویر از قوهی قضائیه باید اجرای عدالت به پایه‌ای برسد که هر مظلومی آن را مأمن خود بداند»
- «بخصوص کسانی که به نوعی از قدرتی برخوردارند، جرأت تعدی به حقوق دیگران را نداشته باشند»
- «باب سفارش و توصیه در آن به طور کلی مسدود شده و داشتن آشنا در بخشهایی از آن هیچ مزیتی بشمار نیاید»

تبیین:

در این بخش، عدالت صرفاً به معنای صدور حکم یا اجرای قانون تعریف نمی‌شود، بلکه کارکرد اجتماعی آن مورد توجه قرار می‌گیرد. قوه قضائیه مطلوب، نهادی است که امنیت حقوقی جامعه را تضمین کند؛ به گونه‌ای که قدرت، ثروت یا ارتباطات اجتماعی نتواند مسیر عدالت را منحرف کند. بنابراین عدالت قضائی در این روایت، ابزار کنترل قدرت و حمایت از اقشار مختلف جامعه است.

مضمون پایه سوم

«اعتماد عمومی؛ ثمره تحقق عدالت قضائی»

مستند متنی:

- «ثمره‌ی موفقیت در این مسیر، علاوه بر کسب رضایت الهی، تقویت اعتماد مردم به این رکن نظام خواهد بود»

تبیین:

در منطق پیام، اعتماد عمومی محصول تبلیغ یا تصویرسازی تصنعی نیست؛ بلکه نتیجه طبیعی عملکرد عادلانه و درست یک نهاد حاکمیتی است. هنگامی که مردم آثار عدالت را در زندگی خود مشاهده کنند، رابطه میان جامعه و نظام اسلامی مستحکم‌تر می‌شود. از این منظر، عدالت قضائی یکی از پایه‌های سرمایه اجتماعی نظام است.

مضمون پایه چهارم

«لزوم بازآرایی مستمر ارکان نظام اسلامی و نقش پیشران قوه قضائیه در اصلاح روندها»

مستندات متنی:

- «انتظار بحق از همه‌ی قوا، دستگاه‌ها و نهادهای مسئول آن است که همواره عملکرد خود را با تراز مطلوب نظام مقدس جمهوری اسلامی و شأن والای ملت، تنظیم و بازآرایی کنند»
- «در این زمینه قوه‌ی قضائیه جایگاهی کم‌نظیر و بلکه بی‌بدیل برای اصلاح روند امور و به حرکت درآوردن سایر بخشهای نظام دارد»

تبیین:

در این بخش، پیام بر ضرورت پویایی و بازآرایی مستمر ساختارهای نظام اسلامی متناسب با اهداف و آرمان‌های آن تأکید می‌کند. از نگاه نویسنده، تحقق عدالت و اقامه حق نیازمند آن است که ارکان نظام همواره عملکرد خود را با تراز مطلوب اسلامی ارزیابی و اصلاح نمایند. در این میان، قوه قضائیه جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا هم باید خود در مسیر تحول، سلامت و ارتقای کارآمدی حرکت کند و هم به عنوان نهادی ناظر و اثرگذار، زمینه اصلاح روندها و بهبود عملکرد سایر بخش‌های نظام را فراهم آورد. بنابراین تحول قضائی در این نگاه، صرفاً یک اصلاح سازمانی نیست، بلکه بخشی از فرآیند تحقق حکمرانی عادلانه و نزدیک شدن نظام اسلامی به وضعیت مطلوب خویش است.

مضمون پایه پنجم

«سلامت قضائی و اتقان عملکرد؛ شرط تحقق عدالت واقعی»

مستندات متنی:

- «کاهش تضييع حقوق، سرعت رسيدگي، ارتقاء سلامت و اتقان آراء قضات»
- «داشتن آشنا در بخشهايي از آن هيچ مزيتي بشمار نيابد»

تبیین:

پیام، تحقق عدالت را وابسته به سلامت درونی ساختار قضائی می‌داند. عدالت زمانی محقق می‌شود که فرآیندهای قضائی دقیق، سالم، مستقل و قابل اعتماد باشند. بنابراین اصلاح ساختار، سلامت قضات و ارتقای کیفیت تصمیمات قضائی، مقدمه تحقق شأن حقیقی این قوه در نظام اسلامی است.

جمع بندی مضمون سازمان دهنده دوم

این مضمون نشان می‌دهد که در منظومه پیام، قوه قضائیه یکی از ارکان تحقق آرمان بنیادین نظام اسلامی یعنی اقامه حق، گسترش عدالت و صیانت از حقوق مردم است. قوه قضائیه در این نگاه، صرفاً نهادی برای رسیدگی به دعاوی و پرونده‌های شکات خصوصی نیست، بلکه مأموریتی فراتر دارد و باید پاسدار حقوق مردم، احیای حقوق عامه، مقابله‌کننده با فساد، تضمین‌کننده آزادی‌های مشروع و مجری عدالت در جامعه باشد. در عین حال، پیام با طرح ضرورت «تنظیم و بازآرایی عملکرد همه قوا و دستگاه‌ها با تراز مطلوب نظام اسلامی»، بر این نکته تأکید می‌کند که تحقق وضعیت مطلوب، نیازمند پویایی و تحول مستمر در ساختارهای نظام است. در این میان، قوه قضائیه به دلیل جایگاه ویژه خود در اقامه عدالت، نقشی پیشران در اصلاح روندها و به حرکت درآوردن سایر بخش‌های نظام دارد. بر این منهج، تحول قضائی در منطق پیام بخشی از مسیر تحقق حکمرانی عادلانه اسلامی است؛ مسیری که در آن عدالت باید به گونه‌ای تحقق یابد که مظلوم آن را پناهگاه خود بداند، صاحبان قدرت امکان تعدی به حقوق دیگران را نیابند و اعتماد عمومی مردم به نظام اسلامی بر پایه تجربه واقعی عدالت تقویت شود.

❖ مضمون سازمان دهنده سوم

«گسترش عدالت از سطح قضائی به عدالت اجتماعی و حقوق عامه به مثابه غایت حکمرانی اسلامی»

پس از تبیین جایگاه قوه قضائیه و مأموریت آن در تحقق عدالت، پیام در سطحی فراتر به مفهوم عدالت در منظومه حکمرانی اسلامی می‌پردازد. در این نگاه، عدالت صرفاً به حل اختلافات فردی، صدور حکم یا رسیدگی به دعاوی

محدود نمی‌شود، بلکه حقیقتی فراگیر است که باید در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی جامعه جریان یابد. بر اساس این روایت، احقاق حقوق مردم تنها ناظر به حقوق شخصی افراد نیست؛ بلکه حقوق عامه و اجتماعی ملت را نیز دربرمی‌گیرد؛ از امنیت اقتصادی و دسترسی عادلانه به فرصت‌ها گرفته تا برخورداری از مواهب طبیعی، محیط زیست سالم، آزادی‌های مشروع و حکمرانی کارآمد. بنابراین عدالت در نگاه پیام، یک شاخص بنیادین برای ارزیابی عملکرد نظام اسلامی و میزان تحقق آرمان‌های آن است.

در این چارچوب، قوه قضائیه مأموریتی فراتر از رسیدگی به پرونده‌های مراجعین دارد؛ زیرا باید زمینه تحقق عدالت در عرصه عمومی را نیز فراهم کرده و مانع تضییع حقوقی شود که گاه به دلیل ساختارها، روابط قدرت یا ناکارآمدی‌ها ایجاد می‌گردد. از این منظر، عدالت اجتماعی تراز، زمانی محقق می‌شود که هیچ فرد یا گروهی نتواند از موقعیت سیاسی یا اجتماعی خود برای تضییع حقوق دیگران استفاده کند و همه مردم امکان بهره‌مندی عادلانه از ظرفیت‌های جامعه اسلامی را داشته باشند.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«توسعه مفهوم عدالت از حقوق فردی به حقوق عمومی و اجتماعی»

مستندات متنی:

- «احقاق حقوق ملت، تنها در مسائل فردی خلاصه نمی‌شود و انواع حقوق عامه و اجتماعی آنان... از زمره‌ی مسائل مهم در جهت گسترش عدالت قلمداد می‌گردد»
- «حق امنیت اقتصادی و دسترسی عادلانه به فرصت‌ها»
- «حق برخورداری عادلانه از مواهب طبیعی، محیط زیست سالم، آزادیهای مشروع، و حکمرانی کارآمد»

تبیین:

این فراز، برداشت محدود از عدالت را کنار می‌گذارد و عدالت را به عنوان یک اصل حاکم بر همه عرصه‌های زندگی اجتماعی معرفی می‌کند. در منطق پیام، نظام اسلامی زمانی به عدالت نزدیک می‌شود که حقوق عمومی مردم در کنار حقوق فردی آنان مورد توجه قرار گیرد.

مضمون پایه دوم

«تمرکز بر تحقق عینی عدالت به مثابه معیار تحقق حکمرانی مطلوب اسلامی»

مستندات متنی:

- «شأن قوهی قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از حقوق مردم و احیاء حقوق عامه... اجرای عدالت و نظارت بر اعمال قانون است»
- «انتظار عمومی جامعه آن است که شاهد تأکید عملی بر این امر در عملکرد قوهی قضائیه باشند»
- «مردم آثار مثبت آن را در زندگی روزمره‌ی خود مشاهده نمایند»

تبیین:

در این نگاه، عدالت مفهومی انتزاعی یا صرفاً یک شعار نیست، بلکه باید در تجربه واقعی مردم قابل مشاهده باشد. معیار موفقیت نظام اسلامی، صرف وجود قوانین یا ساختارها نیست، بلکه میزان تحقق عدالت در زندگی روزمره مردم است.

مضمون پایه سوم

«عدالت فراگیر؛ تضمین امنیت حقوقی جامعه و جلوگیری از تبعیض»

مستندات متنی:

- «هر مظلومی آن را مأمن خود بداند»
- «کسانی که به نوعی از قدرتی برخوردارند، جرأت تعدی به حقوق دیگران را نداشته باشند»
- «داشتن آشنا در بخشهایی از آن هیچ مزیتی بشمار نیاید»

تبیین:

این بخش، عدالت را به معنای ایجاد یک نظم حقوقی عادلانه معرفی می‌کند؛ نظمی که در آن معیار، قانون و حق باشد نه قدرت، ثروت یا ارتباطات. بنابراین عدالت اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که جامعه از احساس بی‌پناهی و تبعیض فاصله گرفته و امنیت حقوقی برای همه فراهم شود.

مضمون پایه چهارم

«مبارزه با انواع فساد؛ شرط تحقق عدالت عمومی»

مستندات متنی:

- «قاطعیت مقابله با انواع مفسد»
- «کاهش تضییع حقوق»

تبیین:

با این توصیف، وجود فساد در نظام سیاسی و اجتماعی صرفاً یک تخلف فردی نیست، بلکه یکی از موانع اصلی تحقق عدالت در جامعه است. از این رو، مبارزه با فساد بخشی از مأموریت بنیادین نظام اسلامی برای صیانت از حقوق مردم و تحقق عدالت عمومی محسوب می‌شود.

جمع‌بندی مضمون سازمان‌دهنده سوم

این مضمون نشان می‌دهد که در منظومه پیام، تحقق عدالت غایت نهایی عملکرد قضائی و یکی از شاخص‌های اصلی تحقق حکمرانی اسلامی است. عدالت در این نگاه، مفهومی گسترده و چندلایه دارد که از حقوق فردی فراتر رفته و حقوق عمومی، امنیت اجتماعی، مقابله با فساد، عدالت در فرصت‌ها و حتی احقاق حقوق ملت در برابر تجاوزگران را دربرمی‌گیرد. بر همین اساس، قوه قضائیه نه صرفاً ناظر و عامل رسیدگی بر تخلفات مجرمانه، بلکه یکی از مهم‌ترین نهادهای تحقق عدالت فراگیر در جامعه اسلامی است.

❖ مضمون سازمان‌دهنده چهارم

«عدالت‌خواهی نظام اسلامی در مقیاس ملی و بین‌المللی؛ مأموریت قوه قضائیه در احقاق حقوق ملت و مقابله با جنایت»

پس از ترسیم جایگاه قوه قضائیه در تحقق عدالت داخلی و تبیین گستره عدالت در سطح حقوق عمومی جامعه، پیام در ادامه افق عدالت‌خواهی نظام اسلامی را از مرزهای داخلی فراتر برده و به عرصه حقوق ملی و بین‌المللی می‌کشد. در این نگاه، عدالت در سطح دفاع از حقوق یک ملت در برابر تجاوز خارجی، جنایت و ظلم سازمان‌یافته نیز معنا و مفهوم روشنی پیدا می‌کند. بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب در این بخش، قوه قضائیه را صرفاً نهادی برای رسیدگی به اختلافات داخلی معرفی نمی‌کنند، بلکه آن را دارای مسئولیتی بین‌المللی در

پیگیری حقوق تضییع شده ملت ایران در برابر جنایات قدرت‌های متجاوز می‌دانند. جنایات رخ داده علیه مردم ایران، از آسیب‌های انسانی و مادی گرفته تا شهادت شخصیت‌ها و نخبگان، به عنوان پرونده‌هایی حقوقی معرفی می‌شوند که باید در محاکم داخلی و بین‌المللی دنبال شوند.

در این چارچوب، احقاق حق ملت، ادامه همان منطق عاشورایی اقامه حق و مقابله با ظلم است که در ابتدای پیام ترسیم شد؛ با این تفاوت که میدان آن از جامعه داخلی به عرصه روابط بین‌الملل گسترش یافته است. بنابراین عدالت در منظومه پیام، زمانی کامل می‌شود که هم حقوق فردی و اجتماعی مردم در داخل صیانت شود و هم حقوق یک ملت در برابر متجاوزان و جنایتکاران خارجی مورد پیگیری قرار گیرد.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«گسترش مفهوم عدالت از حقوق فردی و اجتماعی به احقاق حقوق ملی»

مستند متنی:

- «از جمله یکی از مهمترین مسائل حقوقی و قضائی مربوط به همه‌ی ملت ایران در این برهه‌ی زمانی، پیگیری و احقاق حقوق تضییع شده‌ی آنان در اثر جنایات مجرمان بین‌المللی و مستکبران و تجاوزکاران جهانی می‌باشد»

تبیین:

این فراز نشان می‌دهد که در منطق پیام، عدالت محدود به حوزه داخلی و روابط میان افراد نیست. همان‌گونه که نظام اسلامی موظف به حمایت از حقوق مردم در داخل جامعه است، در برابر تضییع حقوق یک ملت نیز مسئولیت دارد. بنابراین عدالت دارای یک سطح ملی و بین‌المللی است که در آن دفاع از حقوق ملت در برابر تجاوز و جنایت، بخشی از مأموریت نظام اسلامی تلقی می‌شود.

مضمون پایه دوم

«تبدیل ظلم و خسارت‌های وارد شده به ملت به مطالبه حقوقی و قضائی علیه جنایتکاران»

مستند متنی:

- «از خون شهدای مظلوم جنگ تحمیلی دوم و سوم تا صدمات و لطمات جسمی و روحی و مادّی و معنوی وارد شده به کشور عزیزمان و هر یک از آحاد ملت مظلوم ایران... هر کدام پرونده‌ای از صدها و بلکه هزاران پرونده حقوقی مهم را تشکیل می‌دهد که در محاکم قضائی داخلی و بین‌المللی باید با جدّیت دنبال شود»

تبیین:

در این بخش، پیام میان رنج و ظلم وارد شده به ملت ایران و فرآیند حقوقی احقاق حق پیوند برقرار می‌کند؛ یعنی مظلومیت باید به مطالبه‌ای حقوقی تبدیل شود. بر این اساس، شهادت‌ها، خسارت‌ها و آسیب‌های واردشده، موضوعاتی هستند که باید در چارچوب عدالت و قانون مورد رسیدگی قرار گیرند.

مضمون پایه سوم

«لزوم پیگیری قاطعانه عدالت در برابر جنایتکاران و جلوگیری از تکرار ظلم»

مستندات متنی:

- «آنچه مسلم است گریبان جنایتکاران را بایستی گرفت و آنان را به سزای اعمال مجرمانه‌شان رساند»
- «این اقدام به‌نوبه‌ی خود از تکرار این قبیل جنایات پیشگیری خواهد نمود»

تبیین:

در این فراز، عدالت تنها به جبران گذشته محدود نمی‌شود، بلکه کارکرد پیشگیرانه نیز پیدا می‌کند. از نگاه معظم‌له، برخورد حقوقی و قضائی با عاملان جنایت، علاوه بر احقاق حق قربانیان، مانعی برای استمرار ظلم و تکرار جنایت در آینده است. بنابراین اجرای عدالت، هم جنبه ترمیمی دارد و هم نقش بازدارنده در نظم جهانی ایفا می‌کند.

مضمون پایه چهارم

«استناد حقوقی به اقرار دشمنان، مقدمه احقاق حقوق ملت»

مستند متنی:

- «اعترافات و حتی افتخار و قیحانه‌ی بعضی از سران دشمن امریکایی، صهیونی به این جنایتها است که قطعاً اقرار به جنایت محسوب گشته و مقدمات احقاق حقوق تضییع شده‌ی ملت را به شکل مناسبی فراهم ساخته است»

تبیین:

این بخش نشان می‌دهد که پیام، پیگیری حقوق ملت را صرفاً بر پایه ادعا یا اعتراض سیاسی بنا نمی‌کند، بلکه بر استفاده از ظرفیت‌های حقوقی و مستندات قابل استناد تأکید دارد. اعتراف عاملان جنایت، در این چارچوب به عنوان ظرفیتی برای تبدیل مظلومیت ملت به یک پرونده حقوقی معتبر مورد توجه قرار می‌گیرد.

جمع‌بندی مضمون سازمان‌دهنده چهارم

این مضمون نشان می‌دهد که در منظومه پیام، عدالت‌خواهی نظام اسلامی به مرزهای داخلی جامعه محدود نمی‌شود، بلکه در مقیاس ملی و بین‌المللی نیز امتداد پیدا می‌کند. همان‌گونه که قوه قضائیه باید پناهگاه مظلوم در داخل کشور باشد، در سطح کلان‌تر نیز باید ابزار احقاق حقوق ملت در برابر جنایت و تجاوز باشد. در این چارچوب، پیگیری جنایات دشمنان و مطالبه حقوق تضییع‌شده مردم، یک اقدام سیاسی یا واکنش مقطعی نیست؛ بلکه ادامه همان رسالت بنیادینی است که پیام در آغاز با الهام از قیام عاشورا ترسیم کرد؛ یعنی اقامه حق و مقابله با ظلم. از این منظر، نظام اسلامی برای تحقق عدالت تراز، همزمان باید سه عرصه را دنبال کند، صیانت از حقوق افراد، تحقق عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق ملت در برابر ظلم سازمان‌یافته. قوه قضائیه در این منظومه، یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای تحقق این مأموریت چندسطحی محسوب می‌شود.

❖ مضمون سازمان‌دهنده پنجم

«الزامات تحقق عدالت اسلامی؛ پیوند میان انسان تراز، تحول نهادی و هدایت‌های رهبری امام جامعه در مسیر اقامه حق»

پس از آنکه پیام، هویت عاشورایی نظام اسلامی، جایگاه قوه قضائیه، گستره عدالت و ضرورت احقاق حقوق مردم و ملت را تبیین می‌کند، در بخش پایانی به الزامات تحقق این آرمان‌ها می‌پردازد. در این نگاه، عدالت اسلامی صرفاً نتیجه وجود قوانین، ساختارهای رسمی یا برنامه‌های تحول نیست؛ بلکه تحقق آن نیازمند مجموعه‌ای هماهنگ از عوامل انسانی، نهادی و بهره‌گیری از نکات راهگشای امام شهید است. از این منظر، تحقق عدالت و تحول قضائی پیش از هر چیز به انسان‌هایی نیاز دارد که از پشتوانه‌های ایمانی و اخلاقی لازم برخوردار باشند؛ انسان‌هایی که اخلاص، توکل، تقوا، اراده جدی، همت مضاعف، شجاعت و قاطعیت را در مسیر مسئولیت اجتماعی خود به کار گیرند. پیام با طرح این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که عدالت‌گستری در نظام اسلامی صرفاً یک فرآیند

اداری نیست، بلکه مأموریتی سنگین و الهی است که به کارگزارانی با روحیه مسئولیت‌پذیری و مجاهدت نیاز دارد.

در کنار این مؤلفه انسانی، پیام بر ضرورت تحول و ارتقای کارآمدی ساختاری نیز تأکید می‌کند؛ چراکه تحقق عدالت در جامعه نیازمند آن است که دستگاه قضائی از ظرفیت‌های نوین، فناوری و هوشمندسازی برای افزایش دقت، سرعت، سلامت و اثربخشی بهره‌گیرد. بنابراین، در منظومه پیام، تحول قضائی نه صرفاً یک تغییر شکلی در ساختار، بلکه فرآیندی همه‌جانبه برای نزدیک شدن عملکرد قوه قضائیه به تراز مطلوب نظام اسلامی است. همچنین پیام، مسیر تحول قضائی را از هدایت‌های راهبردی رهبر شهید انقلاب جدا نمی‌داند. اشاره به توصیه‌ها و تأکیدات ایشان درباره مسائل قضائی، بیانگر آن است که راه اصلاح و پیشرفت این قوه دارای پشتوانه فکری و تجربی انباشته‌ای است که باید از سطح توصیه به عرصه عمل و تحقق عینی منتقل شود. از این منظر، توجه جدی به این رهنمودها یکی از کلیدهای موفقیت مسئولان قضائی در مسیر تحول معرفی می‌شود.

در نهایت، پیام تحقق این آرمان‌ها را در افق توحیدی و الهی معنا می‌کند؛ زیرا پس از بیان همه الزامات انسانی و مدیریتی، تحقق نهایی این مسیر را در سایه عنایت الهی و توجه به حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه قرار می‌دهد. بدین ترتیب، مولفه‌های انسانی کارگزار تراز، اصلاح و پویایی ساختاری و اتکال معنوی، سه ضلع مکمل برای حرکت نظام اسلامی در مسیر تحقق عدالت معرفی شده که همگی ذیل راهبری رهبر جامعه به سرانجام خواهند رسید.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«اخلاص، توکل و تقوا؛ لازمه حرکت در مسیر تحقق عدالت اسلامی»

مستند متنی:

- «راه رسیدن به عدالت و مبارزه با ظلم و فساد، مسیر دشواری است که با اخلاص و توکل، رعایت تقوا در مرتبه‌ی عالی... هموار خواهد شد»

تبیین:

این فراز نشان می‌دهد که در نگاه پیام، تحقق عدالت پیش از آنکه صرفاً یک فرآیند فنی و مدیریتی باشد، نیازمند پشتوانه معنوی و اخلاقی است. عدالت‌خواهی زمانی استمرار می‌یابد که کارگزاران آن از انگیزه‌های شخصی عبور

کرده و حرکت خود را در چارچوب مسئولیت الهی تعریف کنند. بنابراین اخلاص، توکل و تقوا، زیرساخت اخلاقی تحقق عدالت در نظام اسلامی محسوب می‌شوند.

مضمون پایه دوم

«اراده و همت مضاعف؛ الزامات انسانی تحقق تحول قضائی»

مستند متنی:

- «انگیزه و اراده‌ی جدی، تلاش و همت مضاعف»

تبیین:

این بخش نشان می‌دهد که تحول قضائی صرفاً با تغییر ساختارها یا تدوین برنامه‌ها تحقق نمی‌یابد؛ بلکه نیازمند تغییر در سطح عملکرد و روحیه کارگزاران است. همانگونه که اخلاص و تقوا ضامن سلامت حرکت در این مسیر است، اراده و همت مضاعف نیز به عنوان موتور پیش‌برنده اصلاحات معرفی می‌شود. در نتیجه، پیام میان تحول نهادی و تحول انسانی پیوند برقرار می‌کند.

مضمون پایه سوم

«شجاعت، قاطعیت و ابتکار عمل؛ ویژگی‌های کارگزار عدالت در مواجهه با موانع»

مستند متنی:

- «شجاعت و قاطعیت، ابتکار عمل [در مقابله با انواع مفسد]»

تبیین:

تحقق عدالت و مبارزه با ظلم و فساد، در نگاه پیام نیازمند برخورد فعال با موانع است. از این رو، کارگزار عدالت باید علاوه بر سلامت اخلاقی، دارای قدرت تصمیم‌گیری، جسارت اقدام و توان حل مسائل جدید باشد. عدالت مطلوب زمانی محقق می‌شود که مسئولان در برابر پیچیدگی‌ها، فشارها و موانع مسیر، رویکردی ضعیف و منفعلانه نداشته باشند.

مضمون پایه چهارم

«بهره‌گیری از دانش و فناوری نوین؛ شرط ارتقای کارآمدی در مسیر عدالت»

مستند متنی:

- « بهره‌گیری صحیح از فناوریهای نوین و هوشمندسازی امور»

تبیین:

در کنار عناصر معنوی و انسانی، پیام بر ضرورت استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های نوین برای تحقق عملی عدالت تأکید می‌کند. هوشمندسازی و بهره‌گیری از فناوری، ابزارهایی برای افزایش سرعت، دقت، شفافیت و کاهش زمینه‌های تضییع حقوق معرفی می‌شوند. بنابراین کارآمدی ساختاری، مکمل ویژگی‌های ایمانی و اخلاقی کارگزاران عدالت است.

مضمون پایه پنجم

«رهنمودهای رهبر شهید انقلاب؛ چراغ راه تحول و کلید موفقیت در اصلاح همه‌جانبه قضائی»

مستندات متنی:

- «تمهیدات و الزامات گوناگونی مورد نیاز است که عمدتاً در دیدارهای سالیانه‌ی مسئولان قضائی و توصیه‌ها و تأکیدات مفصل رهبر عظیم‌الشأن شهید ... بارها بیان شده»
- «توجه جدی به آنها و تلاش برای تحققشان که کلید موفقیت مسئولان محترم قوه‌ی قضائیه محسوب میشود مورد تأکید و خواست جدی اینجانب است»

تبیین:

در این بخش، پیام تحقق تحول قضائی را وابسته به بهره‌گیری از یک تجربه انباشته مدیریتی و راهبردی می‌داند که در توصیه‌ها و تأکیدات رهبر شهید انقلاب به مسئولان قضائی تبیین شده است. از نگاه پیام، راه اصلاح و بازسازی قوه قضائیه مسیر نامعلومی نیست؛ بلکه چارچوب‌ها، الزامات و جهت‌گیری‌های آن در منظومه رهنمودهای رهبری انقلاب بیان شده و شرط موفقیت، تبدیل این رهنمودها از سطح توصیه به برنامه و اقدام عملی است.

مضمون پایه ششم

«دعا و توسل؛ پیوند معنوی حرکت عدالت‌خواهانه با وعده الهی»

مستند متنی:

- «تحقق این همه، باذن الله و در سایه‌ی عنایات حضرت عدل منتظر، سرورمان عجل الله تعالی فرجه الشریف میسر خواهد گشت ان شاء الله»

تبیین:

در پایان پیام، تحقق عدالت و مبارزه با ظلم در افق الهی معنا می‌شود. اشاره به عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، نشان می‌دهد که تلاش انسانی در منظومه اسلامی زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که با امید، توسل و اعتماد به وعده الهی همراه باشد. در این نگاه، دعا و توسل نه به معنای کناره‌گیری از عمل، بلکه عامل حفظ جهت الهی، امید و استقامت در مسیر تحقق عدالت است.

جمع بندی مضمون سازمان دهنده پنجم

این مضمون نشان می‌دهد که پیام، تحقق عدالت اسلامی را صرفاً مسئله‌ای مربوط به اصلاح یک دستگاه یا بهبود عملکرد یک نهاد نمی‌داند؛ بلکه آن را نیازمند یک منظومه کامل از انسان صالح، ساختار کارآمد و جهت‌گیری الهی معرفی می‌کند. در این منظومه، عدالت زمانی تحقق می‌یابد که از یک سو کارگزاران نظام از ویژگی‌هایی همچون اخلاص، تقوا، شجاعت، اراده و روحیه مجاهدانه برخوردار باشند و از سوی دیگر، ساختارهای حکمرانی با تحول مستمر، بهره‌گیری از دانش و فناوری و اصلاح فرآیندها، خود را به تراز مطلوب نزدیک کنند.

همچنین پیام تأکید می‌کند که تحول قضائی و حرکت به سمت عدالت، بدون بهره‌گیری از تجربه‌ها و رهنمودهای راهبردی رهبران انقلاب امکان تحقق کامل ندارد؛ از این رو، توصیه‌ها و تأکیدات رهبر شهید انقلاب به عنوان چراغ راه اصلاح و بازسازی قوه قضائیه مطرح می‌شود و موفقیت این مسیر در گرو تبدیل این رهنمودها به اقدام عملی است.

در نهایت، پیام با پیوند زدن تلاش انسانی به عنایت الهی و توجه به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، نشان می‌دهد که عدالت مطلوب در منطق نظام اسلامی صرفاً یک هدف مدیریتی نیست، بلکه بخشی از حرکت تاریخی تحقق وعده‌های الهی است؛ حرکتی که با بعثت انبیاء آغاز شده، با نهضت حسینی به اوج رسیده، انقلاب اسلامی روح تازه‌ای بر آن دمیده و با ظهور منجی به کمال خواهد رسید؛ این حرکت نیازمند همت انسان‌های مؤمن و اتکال آنان به سنت‌ها و نصرت‌های الهی است.

مضامین فراگیر

تاکنون فرآیند تحلیل متن در قالب تجمیع کدهای مهم و شکل‌گیری مضامین پایه که دلالت‌های مشترک و نزدیک را نمایندگی می‌کنند و سپس سازمان‌دهی مضامین پایه در سطح مضامین سازمان‌دهنده انجام گرفت. مرحله بعدی دستیابی به مضامین فراگیر متن بوده که در واقع روح حاکم بر کل پیام را تبیین می‌کنند. این ساختار سلسله‌مراتبی کمک می‌کند تا از سطح توصیف لفظی عبور کرده و به سطح تفسیر گفتمانی و راهبردی برسیم.

مضمون فراگیر اول

«عدالت؛ روح حرکت توحیدی تاریخ بشر از مبارزه با طواغیت و ظالمان تا حکومت عادلانه مهدوی و تلاش انقلاب اسلامی برای تحقق این آرمان در عصر حاضر»

در منظومه معرفتی این پیام، عدالت یک مفهوم صرفاً حقوقی، اجتماعی یا مدیریتی نیست؛ بلکه می‌توان آن را به عنوان یکی از اصلی‌ترین تجلیات حرکت توحیدی تاریخ بشر معرفی کرد. با این توضیح که دعوت همه پیامبران الهی و مبارزه جریان حق در طول تاریخ، در نهایت حول محور نفی بندگی غیرخدا، مقابله با طاغوت و ظلم، و فراهم کردن زمینه تحقق حیات عادلانه برای انسان‌ها شکل گرفته است. بنابراین عدالت در این نگاه، نتیجه و ثمره حاکمیت ارزش‌های توحیدی است؛ زیرا هر جا انسان از مسیر توحید فاصله گرفته و مناسبات اجتماعی بر پایه قدرت‌طلبی، استکبار، فساد و تبعیض شکل گرفته است، جریان حق در برابر آن ایستاده و برای بازگرداندن جامعه به مدار حق و عدالت تلاش کرده است. بر این اساس، قیام عاشورا در پیشانی پیام به عنوان نقطه اوج تاریخی این مسیر معرفی می‌شود؛ چراکه نهضت حسینی صرفاً یک واقعه سیاسی یا اعتراضی نیست، بلکه تجلی کامل تقابل حقیقی و تاریخی جبهه حق و باطل، عدالت و ظلم، و تلاشی برای اصلاح امت و اقامه حق است. در این چارچوب، انقلاب اسلامی نیز به عنوان امتداد همان سرچشمه نورانی معنا می‌یابد؛ انقلابی که هدف آن صرفاً تغییر یک ساختار سیاسی نبوده، بلکه تلاش برای ایجاد بستری اجتماعی و حکومتی جهت تحقق آرمان‌های توحیدی و عدالت‌خواهانه در عصر حاضر است. استشهاد ماتن محترم به شهادت شهید بهشتی و هفتاد و دو نفر از یارانشان گواهی بر صدق این مدعاست. از همین رو، عدالت در فلسفه وجودی انقلاب اسلامی، یک هدف فرعی یا یکی از برنامه‌های حکمرانی نیست؛ بلکه معیاری برای سنجش میزان حرکت نظام اسلامی در مسیر آرمان‌های الهی به شمار می‌آید. این همان نقطه‌ای است که امام شهید نیز در بیانیه گام دوم به عنوان یکی از محورهای اصلی تحول معرفی فرمودند.

در عین حال، پیام، عدالت را محدود به یک عرصه خاص نمی‌کند، بلکه آن را حقیقتی چندلایه و فراگیر می‌داند که در سطوح مختلف زندگی انسانی تجلی پیدا می‌کند؛ از عدالت در مناسبات فردی و اخلاقی، تا عدالت اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و حتی در سطح روابط میان ملت‌ها و مقابله با نظام‌های سلطه‌گر. بر این اساس، مبارزه با فساد، صیانت از حقوق مردم، حمایت از مظلومان، مقابله با تجاوز و ظلم و ایجاد نظم اجتماعی مبتنی بر حق، همگی جلوه‌هایی از همان حقیقت واحد عدالت هستند.

در افق نهایی این حرکت تاریخی، تحقق کامل عدالت در مقیاس جهانی در اندیشه مهدوی قرار دارد؛ جایی که عدالت نه در یک جامعه محدود، بلکه در سطح جهانی و در برابر همه اشکال ظلم، فساد و طغیان تحقق می‌یابد. از این منظر، حکومت عادلانه مهدوی نقطه تکامل یک حرکت تاریخی و الهی است که از مبارزه انبیاء با طواغیت آغاز شده، در نهضت حسینی جلوه‌ای ویژه یافته، انقلاب اسلامی در عصر حاضر برای نزدیک شدن به آن تلاش می‌کند و در نهایت با تحقق وعده الهی به کمال خواهد رسید. بنابراین پیام، عدالت را نه صرفاً یک برنامه حکومتی، بلکه مسیر تاریخی حرکت بشر به سوی تحقق اراده الهی معرفی می‌کند.

مضمون فراگیر دوم

«مسیر تحقق عینی عدالت اسلامی؛ از تحول در ساختارهای حکمرانی تا تربیت کارگزاران مؤمن در پرتو رهنمودهای رهبران الهی»

مقام معظم رهبری در کنار تبیین حقیقت و جایگاه عدالت، به این پرسش اساسی نیز پاسخ می‌دهد که تحقق این آرمان بزرگ در عرصه جامعه چگونه امکان‌پذیر خواهد بود. در این نگاه، عدالت صرفاً با وجود ارزش‌ها، شعارها یا حتی ایجاد ساختارهای قانونی محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند یک فرآیند همه‌جانبه است که هم اصلاح ساختارهای حکمرانی را دربرگیرد و هم به تربیت و پرورش انسان‌هایی متناسب با این مأموریت تاریخی توجه کند.

از این منظر، نظام اسلامی برای نزدیک شدن به وضعیت مطلوب عدالت‌محور، نیازمند بازآرایی مستمر ارکان و نهادهای خود بر اساس تراز مطلوب اسلامی است. تحول، در این نگاه، یک اقدام مقطعی یا اداری نیست؛ بلکه فرآیندی دائمی برای نزدیک کردن ساختارهای موجود به اهداف و آرمان‌های بنیادین نظام است. به همین دلیل، پیام با تأکید بر تحول قضائی، نشان می‌دهد که فاصله میان عدالت مطلوب و وضعیت موجود باید از طریق اصلاح فرآیندها، ارتقای کارآمدی، سلامت ساختارها، کاهش زمینه‌های تضییع حقوق و تبدیل اسناد و برنامه‌ها به آثار ملموس در زندگی مردم کاهش یابد.

در این میان، قوه قضائیه به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق عدالت، نقشی فراتر از یک دستگاه رسیدگی‌کننده به دعاوی پیدا می‌کند؛ زیرا باید هم خود در مسیر تحول و سلامت حرکت کند و هم با ایفای نقش اصلاحی و نظارتی، زمینه بهبود عملکرد سایر بخش‌های حکمرانی را فراهم آورد. عدالت زمانی در جامعه نهادینه می‌شود که مردم آثار آن را در تجربه روزمره خود مشاهده کنند؛ به گونه‌ای که مظلوم احساس پناه داشته باشد، صاحبان قدرت امکان سوءاستفاده از موقعیت خود را نیابند، فساد کاهش یابد و قانون و حق بر روابط و مناسبات اجتماعی حاکم شود.

با این حال، پیام تحقق عدالت را صرفاً وابسته به اصلاح ساختارها نمی‌داند؛ زیرا بهترین ساختارها نیز بدون حضور انسان‌های صالح و مؤمن نمی‌توانند اهداف خود را محقق کنند. از این رو، بخش پایانی پیام بر ویژگی‌های انسان و کارگزار تراز تحقق عدالت تأکید می‌کند؛ انسانی که برخوردار از اخلاص، تقوا، توکل، اراده جدی، همت مضاعف، شجاعت، قاطعیت، ابتکار و توان بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین باشد. چنین انسانی است که می‌تواند ارزش‌های عدالت‌خواهانه را از سطح آرمان به عرصه عمل اجتماعی منتقل کند.

همچنین پیام با تأکید بر توجه جدی به رهنمودهای رهبر شهید انقلاب در حوزه قضائی، نشان می‌دهد که تحقق عدالت نیازمند بهره‌گیری از تجربه‌ها، اندیشه‌ها و تدابیر پیشینیان صالح این مسیر است. در این نگاه، توصیه‌های رهبران الهی و شخصیت‌های الگو چراغ راهی برای اصلاح مسیر، طراحی اقدام و حرکت صحیح در مسیر تحقق آرمان عدالت به شمار می‌آید.

در نهایت، پیام میان تلاش انسانی و نصرت الهی پیوند برقرار می‌کند؛ بدین معنا که تحقق عدالت اسلامی نه با صرف اتکا به توان مدیریتی و مادی امکان‌پذیر است و نه با انتظار منفعلانه از تحقق وعده‌های الهی؛ بلکه نیازمند مجاهدت انسان‌های مؤمن در کنار توکل، دعا و توجه به عنایات الهی است. از این رو، مسیر تحقق عدالت در منطق پیام، مسیری است که در آن ساختارهای صالح، کارگزاران مؤمن و هدایت الهی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا جامعه اسلامی به سوی آرمان عدالت تراز حرکت کند.

دلالت‌ها و جهت‌گیری‌های راهبردی پیام

در این بخش تلاش شده تا به برخی از دلالت‌های راهبردی پیام اشاره شود؛ روشن است که این امر کمک خواهد کرد برای نیل به سیاست‌ها و اقدامات مقتضی در مسیر تحقق عدالت مطلوب اسلامی، گامی رو به جلو برداریم. به عبارت دیگر دلالت‌های راهبردی با این هدف استخراج شده‌اند که پس از بررسی دقیق‌تر، تطبیق با مأموریت‌ها و ظرفیت‌های سازمانی و توجه به شرایط واقعی جامعه، بتوان از آنها سیاست‌های کلان و سپس اقدامات اجرایی متناسب طراحی کرد. بنابراین این مرحله صرفاً بیان توصیه یا گزاره ارزشی نیست، بلکه تلاشی برای تبدیل روح پیام به چارچوبی جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی در مسیر نقش‌آفرینی نهادهای مرتبط با تحقق عدالت اسلامی است.

شایان ذکر است با توجه به مأموریت ستادی، دلالت‌های راهبردی پیام، با محوریت جایگاه و رسالت «حوزه علمیه» تنظیم گردیده است.

اول؛ ضرورت ارتقای نقش حوزه علمیه از تولید دانش دینی به پشتیبانی معرفتی تحقق عدالت اسلامی

همان‌گونه که از روح حاکم بر پیام برمی‌آید، عدالت در نگاه اسلامی صرفاً یک مفهوم حقوقی یا یک وظیفه اجرایی نیست، بلکه غایت اصلی حرکت توحیدی اولیاء خدا و یکی از معیارهای اساسی تحقق جامعه دینی است. بر این اساس، حوزه علمیه به عنوان متولی فهم، تولید و صیانت از معارف اسلامی، نیازمند بازخوانی نقش خود در نسبت با این آرمان بنیادین است. مأموریت حوزه در این عرصه نباید صرفاً به آموزش مفاهیم دینی یا تولید مباحث نظری درباره عدالت محدود بماند، بلکه باید به سطح تولید مبانی، نظریه‌ها و چارچوب‌های معرفتی مورد نیاز جامعه اسلامی ارتقا یابد.

این امر اقتضا می‌کند ظرفیت‌هایی همچون فقه حکومتی، فقه نظام و اجتهاد ناظر به مسائل واقعی جامعه، بیش از پیش در مسیر پاسخ‌گویی به نیازهای تمدنی انقلاب اسلامی فعال شوند؛ به گونه‌ای که حوزه بتواند نسبت میان ارزش‌های اسلامی و مسائل پیچیده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی را تبیین کرده و پشتوانه فکری تحقق عدالت در نظام اسلامی را فراهم سازد. در این نگاه، حوزه صرفاً ناظر به تحقق عدالت نیست، بلکه باید در تولید ادبیات، گفتمان و چارچوب‌های فهم عدالت اسلامی نقش پیشرو داشته باشد. در این چارچوب، جهت‌گیری حوزه باید حرکت به سمت یک نهاد علمی پیشرو، مسئله‌محور و تمدن‌ساز باشد؛ حوزه‌ای که علاوه بر صیانت

از میراث علمی اسلام، توان پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و عملی جامعه اسلامی را داشته و بتواند در مسیر تحقق عدالت به عنوان یکی از اهداف بنیادین انقلاب اسلامی، نقش راهبری معرفتی و پشتیبانی فکری ایفا کند.^۱

دوم؛ ضرورت تربیت انسان و کارگزار تراز برای تحقق عدالت اسلامی

پیام تصریح می‌کند که تحقق عدالت اسلامی صرفاً با ساختارها، قوانین و برنامه‌ها امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند انسان‌هایی است که برخوردار از ایمان، تقوا، اخلاص، شجاعت، مسئولیت‌پذیری و توانایی عملی برای حضور در عرصه‌های اجتماعی باشند. بر این اساس، یکی از دلالت‌های مهم برای حوزه علمیه، توجه جدی‌تر به مأموریت تربیت انسان‌هایی است که علاوه بر توان فهم مسائل جامعه و نقش‌آفرینی در عرصه‌های مختلف حکمرانی اسلامی، واجد سجایای اخلاقی و همچنین توانمندی و شجاعت کافی در قبول چنین مسئولیت حساس و خطیری باشند.

در این چارچوب، تربیت عالمان، قضات، مدیران و کنشگران اجتماعی تراز، بخشی از نقش تاریخی حوزه در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شود؛ زیرا عدالت اسلامی زمانی از سطح نظریه به واقعیت اجتماعی نزدیک می‌شود که حاملان و مجریان آن، خود برخوردار از صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و معنوی لازم باشند.

سوم؛ ضرورت بازخوانی و تبدیل رهنمودهای رهبران الهی انقلاب به سرمایه‌گفتمانی و مطالبه عمومی

یکی از نکات قابل توجه پیام، تأکید بر این است که موفقیت در مسیر تحول قضائی و تحقق اهداف مورد نظر، نیازمند توجه جدی به توصیه‌ها و رهنمودهای رهبر شهید انقلاب است؛ رهنمودهایی که در طول سال‌ها به عنوان چراغ راه اصلاح و تعالی دستگاه قضائی بیان شده‌اند. این نکته صرفاً ناظر به یک مجموعه خاص نیست، بلکه یک منطق عام درباره نسبت میان حرکت نظام اسلامی و بهره‌گیری از تجربه، حکمت و اندیشه رهبران الهی آن ارائه می‌کند.

بر این اساس، یکی از دلالت‌های راهبردی برای حوزه علمیه، ضرورت بازخوانی علمی، تبیین روشمند و تبدیل این منظومه رهنمودها به گفتمان عمومی است؛ به گونه‌ای که این اندیشه‌ها صرفاً در سطح توصیه‌های مدیریتی باقی نمانده، بلکه به ادبیات علمی، آموزشی و مطالبه اجتماعی تبدیل شود. حوزه می‌تواند در این مسیر نقش

۱. برای درک بهتر جایگاه و نسبت حوزه در تحقق این امر، به پیام امام شهید (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) به همایش یکصدمین سال‌گشت بازتأسیس حوزه علمیه قم با عنوان «حوزه پیشرو و سرآمد» مراجعه شود.

تبیین‌کننده و بسط‌دهنده اندیشه‌های کلان رهبران انقلاب را ایفا کرده و زمینه کار اجتهادی، فهم عمیق‌تر و تحقق عملی‌تر این رهنمودها را فراهم آورد.

چهارم؛ ضرورت حفظ افق تمدنی عدالت و جلوگیری از تقلیل آن به اصلاحات محدود مدیریتی

می‌توان ادعا کرد که پیام در نهایت عدالت را نه یک پروژه کوتاه‌مدت اداری، بلکه بخشی از یک حرکت الهی و تاریخی معرفی می‌کند؛ حرکتی که از دعوت انبیاء برای مقابله با طاغوت و اقامه حق آغاز شده، در نهضت حسینی استمرار یافته، انقلاب اسلامی در عصر حاضر آن را دنبال می‌کند و تحقق کامل آن در حکومت عدل مهدوی به کمال خواهد رسید. این نگاه، یک دلالت مهم دارد و آن اینکه تلاش برای تحقق عدالت در جمهوری اسلامی باید همواره با حفظ این افق بلند تمدنی دنبال شود و به اصلاحات مقطعی یا اقدامات صرفاً مدیریتی تقلیل پیدا نکند. در این چارچوب، حوزه علمیه نیز می‌تواند با تبیین پیوند میان عدالت اجتماعی امروز و آرمان‌نهایی عدالت جهانی، زمینه رشد، حفظ امید، استمرار حرکت و تقویت نگاه ایمانی و تمدنی به مسائل جامعه را فراهم آورده و آحاد ملت را به سمت حرکت به سوی ظهور آماده‌تر سازد. این نگاه کمک می‌کند که عدالت نه صرفاً به عنوان یک مسئله حکمرانی، بلکه به عنوان بخشی از مسیر تاریخی تحقق وعده‌های الهی فهم شود؛ مسیری که در آن تلاش مسئولان انسان مؤمن با اتکا به نصرت و سنت‌های الهی معنا پیدا می‌کند.

پنجم؛ ضرورت تبیین الگوی صحیح عدالت‌خواهی و راهبری گفتمان عدالت‌طلبی در مسیر عقلانی و اسلامی آن

یکی از دلالت‌های مهم و البته پنهان پیام، توجه به این نکته است که عدالت به عنوان یکی از آرمان‌های بنیادین نظام اسلامی، علاوه بر آنکه نیازمند تحقق عینی در ساختارها و مناسبات اجتماعی است، نیازمند فهم صحیح، تبیین دقیق و صیانت از معنای اصیل خود نیز می‌باشد. عدالت‌خواهی در منطق اسلامی صرفاً یک روحیه اعتراضی یا مطالبه‌گری عمومی نیست، بلکه حرکتی مسئولانه، مبتنی بر شناخت حق، رعایت انصاف، توجه به مصالح عمومی، التزام به اخلاق، قانون و حفظ حرمت افراد و نهادهای مشروع است. بر این اساس، یکی از وظایف مهم حوزه علمیه و نهادهای معرفتی دینی، تولید و تبیین یک الگوی جامع از عدالت‌خواهی اسلامی است؛ الگویی که ضمن تقویت روحیه مطالبه‌گری نسبت به ظلم، فساد و تبعیض، از تبدیل عدالت‌خواهی به رفتارهای هیجانی، غیرمنضبط و آسیب‌زا جلوگیری کند. زیرا هنگامی که عدالت‌خواهی از مبانی معرفتی، اخلاقی و ضوابط دینی خود جدا شود، ممکن است به جای اصلاح و اقامه حق، به ایجاد بی‌اعتمادی، تخریب سرمایه‌های اجتماعی و تضعیف همان آرمان‌هایی منجر شود که در پی تحقق آنهاست.

در این چارچوب، حوزه علمیه می‌تواند با تبیین مبانی فقهی، اخلاقی و اجتماعی عدالت‌خواهی، مرز میان «امر به معروف و مطالبه حق» با «بی‌ضابطگی، تخریب و رفتارهای خارج از چارچوب عدالت» را روشن سازد و زمینه شکل‌گیری نسلی از عدالت‌خواهان مؤمن، آگاه، اخلاق‌مدار و مسئولیت‌پذیر را فراهم کند؛ عدالت‌خواهانی که هم دغدغه مقابله با ظلم و فساد را دارند و هم نسبت به روش، پیامدها و مصالح کلان جامعه اسلامی حساس‌اند.

جمع‌بندی

برآیند این پیام‌نشان می‌دهد که تحقق عدالت اسلامی، صرفاً نیازمند اصلاح یک نهاد یا بهبود یک فرآیند اجرایی نیست؛ بلکه نیازمند بازآرایی منظومه معرفتی، فرهنگی و حکمرانی جامعه بر مدار آرمان عدالت است. بر این اساس، حوزه علمیه و نهادهای دینی در جایگاه تولیدکننده معنا و راهنمای حرکت اجتماعی، باید نسبت خود را با این آرمان کلان بازتعریف کنند و از سطح انتقال مفاهیم کلی به سمت تولید الگو، گفتمان‌سازی و پاسخ‌گویی فعال به مسائل واقعی جامعه حرکت نمایند. در کنار آن، تحقق این مسیر نیازمند تربیت انسان‌هایی است که هم از عمق معرفتی، بصیرت و اخلاقی برخوردار باشند و هم توان ایفای نقش در عرصه‌های مختلف اجتماعی و مدیریتی را داشته باشند. عدم توجه به این نکته می‌تواند حرکت‌های عدالت‌خواهانه و بدون تکیه بر الگوی صحیح را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته و نهایتاً انقلاب را دچار استحاله کند. از این‌رو تولید و تبیین معنای درست عدالت‌خواهی و تبدیل آن به یک فرهنگ عمومی، ضرورتی جدی برای جلوگیری از افراط، بی‌ضابطگی و آسیب به سرمایه‌های اجتماعی است. در مجموع، دلالت‌های راهبردی این پیام می‌تواند مبنایی برای طراحی سیاست‌ها و اقدامات آینده قرار گیرد؛ به شرط آنکه با مطالعه دقیق، اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی، از سطح ایده‌های کلان به راهبردهای عملیاتی متناسب با ظرفیت و مأموریت هر نهاد، به‌ویژه حوزه علمیه، تبدیل شود.

الحمد لله رب العالمین